

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۲۳۸۰۶۲۷

رساله حقوق

امام زین العابدین علیه السلام

www.ketab.ir

مترجم

دکتر عبدالرضا اسکندری

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	: اسکندری، عبدالرضا، ۱۳۶۸ -
عنوان قراردادی	: رساله‌الحقوق، فارسی - عربی، شرح
عنوان و نام پدیدآور	: رساله حقوق امام زین‌العابدین علیه‌السلام مؤلف عبدالرضا اسکندری.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۷۲ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۶۰۵-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: زبان: فارسی-عربی.
موضوع	: علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ق. -- احادیث
موضوع	: Ali ibn Hosayn, Imam IV -- Hadiths:
موضوع	: علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ق. رساله‌الحقوق -- نقد و تفسیر
موضوع	:
موضوع	: Ali ibn Hosayn, Imam IV. Resalah al- Hoquq -- Criticism and interpretation
موضوع	: احادیث اخلاقی Hadiths - Ethics
شناسه افزوده	: علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ق. رساله‌الحقوق. شرح
شناسه افزوده	: Ali ibn Hosayn, Imam IV. Resalah al- Hoquq
رده بندی کنگره	: BP۲۴۸
رده بندی دیوبند	: ۲۹۷/۲۱۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۱۸۱۹۳۰
اطلاعات رگرورد کتابشناسی	: فیبا

نام کتاب	: رساله حقوق امام زین‌العابدین <small>علیه‌السلام</small>
ناشر	: چتر دانش
مترجم	: دکتر عبدالرضا اسکندری
نوبت و سال چاپ	: اول - ۱۴۰۳
شمارگان	: ۱۰۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۶۰۵-۴
قیمت	: ۷۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمینبری جاوید(اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

www.kotab.ir

.....	۸۸
.....	۸۶
.....	۸۴
.....	۸۲
.....	۸۰
.....	۷۸
.....	۷۶
.....	۷۴

فهرست

المقدمه	٧
حق الله، حق النفس و حقوق الأعضاء	١١
حقوق الأفعال	٢١
حقوق الأئمة	٢٧
حق الرحم	٣٧
سائر الحقوق	٤٣
الخاتمة	٧٢

اعْلَمَ رَحِمَكَ اللَّهُ أَنْ لِلَّهِ عَلَيْكَ حُقُوقًا مُحِيطَةً بِكَ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ تَحْرُكُهَا
 أَوْ سَكَتَةٍ سَكَتَهَا أَوْ مَنْزِلَةٍ نَزَلَتْهَا أَوْ جَارِحَةٍ قَلْبَتْهَا وَ أَلَةٍ تَصَرَّفَتْ بِهَا بَعْضُهَا
 أَكْبَرُ مِنْ بَعْضٍ وَ أَكْبَرُ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَيْكَ مَا أَوْجَبَهُ لِنَفْسِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مِنْ
 حَقِّهِ الَّذِي هُوَ أَصْلُ الْحُقُوقِ وَ مِنْهُ تَفَرَّعَ ثُمَّ أَوْجَبَهُ عَلَيْكَ لِنَفْسِكَ مِنْ قَرْنِكَ
 إِلَى قَدَمِكَ عَلَى اخْتِلَافِ جَوَارِحِكَ فَجَعَلَ لِبَصْرِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِسَمْعِكَ
 عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِلْسَانَكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِيَدِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِرِجْلِكَ عَلَيْكَ حَقًّا
 وَ لِبَطْنِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِفَرْجِكَ عَلَيْكَ حَقًّا فَهَذِهِ الْجَوَارِحُ السَّبْعُ الَّتِي بِهَا
 تَكُونُ الْأَفْعَالُ.

رحمت خدا بر تو، بدان خدای متعال حقوقی بر عهده‌ی تو دارد که همه‌ی حرکات
 و سکنت و همه‌ی ساری که در آن فرود آمدی و هر حرکتی که با اعضای بدنت انجام
 دادی و در هر ابزار تصرف نمودی را در بر می‌گیرد.

بعضی از این حقوق از بعض دیگر بزرگتر است. بزرگترین حقوق پروردگار بر تو
 حقوقی است که برای خودش واجب نموده که آن اصل و اساس سایر حقوق است پس
 بر عهده‌ی تو از سر تا قدمت حقوقی را واجب نموده؛ برای چشم و گوش و زبان و دست
 و پا و شکم و اندام شخصی‌ات، حقوقی را مقرر داشته، که با این جوارح هفت‌گانه امورات
 انسان انجام می‌شود.

ثُمَّ جَعَلَ عَزَّ وَ جَلَّ لِأَفْعَالِكَ عَلَيْكَ حُقُوقًا فَجَعَلَ لِصَلَاتِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ
 لِصَوْمِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِصِدْقَتِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِهَدْيِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِأَفْعَالِكَ
 عَلَيْكَ حَقًّا.

ثُمَّ تَخْرُجُ الْحُقُوقُ مِنْكَ إِلَى غَيْرِكَ مِنْ ذَوِي الْحُقُوقِ الْوَاجِبَةِ عَلَيْكَ وَ
 أَوْجَبَهَا عَلَيْكَ حُقُوقُ أَيْمَتِكَ ثُمَّ حُقُوقُ رَعِيَّتِكَ ثُمَّ حُقُوقُ رَحِمِكَ. فَهَذِهِ
 حُقُوقُ بَيْتَشَعْبٍ مِنْهَا حُقُوقُ فَحُقُوقُ أَيْمَتِكَ ثَلَاثَةٌ أَوْجَبَهَا عَلَيْكَ حَقٌّ سَائِسِكَ

بِالسُّلْطَانِ ثُمَّ سَأْسِئِكَ بِالْعِلْمِ ثُمَّ حَقُّ سَأْسِئِكَ بِالْمَلِكِ.

سپس خدای عز و جل برای افعال و کارهایی که انجام می‌دهی، تکالیفی بر عهدت گذارده، برای نماز و روزه و صدقه و قربانی روز عید قربانت در منا حقوقی را بر عهدت گذارده کارهایی که انجام می‌دهی حقوقی بر تو دارند. سپس حقوق از دایره‌ی جسم و جان تو بیرون رفته و به سوی آنان که صاحبان حقوق می‌باشند می‌رود، پس واجب‌ترین آن حقوق، حقوق امامانت بر توست، سپس حقوق خادمان و زیردستان و بعد حقوق خویشاوندان؛ این‌ها که ذکر شد حقوقی هستند که از آن‌ها حقوق دیگری سرچشمه می‌گیرد. پس حقوق پیشوایان سه مورد است که واجب‌ترین آنها بر تو حق سلطان است. بعد از آن معلم و سپس کسی که خویشاوند و ملک توست.

وَكُلُّ سَائِسٍ إِمَامٌ وَحُقُوقُ رَعِيَّتِكَ ثَلَاثَةٌ أَوْجَبَهَا عَلَيْكَ حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالسُّلْطَانِ
ثُمَّ حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالْعِلْمِ فَإِنَّ الْجَاهِلَ رَعِيَّةُ الْعَالِمِ وَحَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالْمَلِكِ مِنَ
الزُّوْجِ وَ مَا مَلَكَتْ مِنَ الْإِيْمَانِ وَ حُقُوقُ رَحْمِكَ كَثِيْرَةٌ مُتَّصِلَةٌ بِقَدْرِ اتِّصَالِ
الرَّحْمِ فِي الْقُرَابَةِ.

فَأَوْجَبَهَا عَلَيْكَ حَقُّ أُمَّكَ ثُمَّ حَقُّ أَبِيكَ ثُمَّ حَقُّ وُلْدِكَ ثُمَّ حَقُّ أَخِيكَ ثُمَّ
الْأَقْرَبُ فَالْأَقْرَبُ وَالْأَوَّلُ فَالْأَوَّلُ ثُمَّ حَقُّ مَوْلَاكَ الْمُنْعَمِ عَلَيْكَ ثُمَّ حَقُّ مَوْلَاكَ
الْجَارِيَةِ نِعْمَتِكَ عَلَيْهِ ثُمَّ حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ لَدَيْكَ ثُمَّ حَقُّ مُؤَدِّنِكَ بِالصَّلَاةِ
ثُمَّ حَقُّ إِمَامِكَ فِي صَلَاتِكَ ثُمَّ حَقُّ جَلِيْسِكَ ثُمَّ حَقُّ جَارِكَ ثُمَّ حَقُّ صَاحِبِكَ
ثُمَّ حَقُّ شَرِيْكَكَ ثُمَّ حَقُّ مَالِكَ ثُمَّ حَقُّ غَرِيْمِكَ الَّذِي تَطَالَبُهُ ثُمَّ حَقُّ غَرِيْمِكَ
الَّذِي يَطَالِبُكَ ثُمَّ حَقُّ خَلِيْطِكَ ثُمَّ حَقُّ خَصْمِكَ الْمُدْعِي عَلَيْكَ ثُمَّ حَقُّ
خَصْمِكَ الَّذِي تَدْعِي عَلَيْهِ ثُمَّ حَقُّ مُسْتَشِيْرِكَ ثُمَّ حَقُّ الْمُسْتَشِيْرِ عَلَيْكَ ثُمَّ
حَقُّ مُسْتَنْصِحِكَ ثُمَّ حَقُّ النَّاصِحِ لَكَ ثُمَّ حَقُّ مَنْ هُوَ أَكْبَرُ مِنْكَ ثُمَّ حَقُّ مَنْ
هُوَ أَصْغَرُ مِنْكَ ثُمَّ حَقُّ سَائِلِكَ ثُمَّ حَقُّ مَنْ سَأَلْتَهُ ثُمَّ حَقُّ مَنْ جَرَى لَكَ عَلَيَّ

يُدِيهِ مَسَاءَةً بِقَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ أَوْ مَسْرَةً بِذَلِكَ بِقَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ عَنِ تَعَمُّدٍ مِنْهُ أَوْ غَيْرِ
تَعَمُّدٍ مِنْهُ ثُمَّ حَقُّ أَهْلِ مِلَّتِكَ عَامَّةٌ ثُمَّ حَقُّ أَهْلِ الذِّمَّةِ ثُمَّ الْحُقُوقُ الْجَارِيَةُ
بِقَدْرِ عِلَلِ الْأَحْوَالِ وَ تَصَرُّفِ الْأَسْبَابِ فَطُوبَى لِمَنْ أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى قَضَاءِ مَا
أَوْجَبَ عَلَيْهِ مِنْ حُقُوقِهِ وَ وَقَفَهُ وَ سَدَّدَهُ.

اینها حقوقی است و حقوقی هم از آنها منشعب گردد، و حق پیشوایان که بر تو است سه گونه است واجبترشان حق سلطانست که تدبیر کار تو بدست اوست سپس حق آموزگار و سپس حق آقائی که مالک تو است، هر تدبیرکننده و سرپرستی پیشوا است حقوق زیر دست هم بر سه گونه است حق زیر دست حکومت تو و سپس حق شاگرد و دانشجوی تو زیرا نادان زیر دست و رعیت دانا است، و حق زیر دستی که صاحب اختیار او هستی مانند روجه و مملوک و حقوق خویشان فراوانست و پیوسته باندازه پیوست رحم در خویشی، و اجبر همه بر تو حق مادر تو است و سپس حق پدر تو و سپس حق فرزندان، سپس حق برادرت، سپس بترتیب هر خویشی که نزدیکتر است، سپس حق آزادکننده و ولینعمت تو، سپس حق آزادشدهات که ولینعمت اوئی، سپس حق هر که بتو احسان کرده، سپس حق اذان گوی نمازت، سپس حق پیشنمازت، سپس حق همنشین تو، سپس حق همسایهات، سپس حق شریکت سپس حق مالت، سپس حق بدهکارت، سپس حق بستانکارت، سپس حق رفیق معاشرت، سپس حق مدعی بر تو، سپس حق کسی که باو ادعا داری، سپس حق مشورت کن با تو، سپس حق آنکه با او مشورت کنی سپس حق اندرزجویت، سپس حق بزرگتر از تو، سپس حق خردسالتر از تو، سپس حق سائل از تو، سپس حق کسی که از او سؤال کنی، سپس حق کسی که بتو بدی کرده بگفته یا کرده یا بشادی کردن بر علیه تو بگفتار یا کردار بتعمد یا غیر تعمد، سپس حق همه همکیشان، سپس حق کفار ذمی، سپس حقوقی که در تغییر احوال و باسباب پدید آیند، خوشا بر کسی که خدایش یاری دهد تا هر حقی بر او واجب کرده ادا کند و او را توفیق دهد و نگهدارد.